

بیشتر شبیه  
احساساتی هستن که  
درونت میجوشن...

دقیق کلمات  
نیستن...



مشکل  
خانوادگی  
استادم...

صحبت با  
پیشینان...

واقعیت وان  
فور آل...



SHF  
ガラ

با اینکه دقیقا  
کلمات نیستن...

چیزی که  
خوده بی  
کورکت  
برای گفتن  
داره...



از دیدنتون  
خوشحالم  
آلمایت



همه این هارو  
گنگ حس  
میکنم ولی...

ولی ...  
جوشش نشون  
رو توی خودم  
حس میکنم





کلینر  
Yegane

مدیر و مترجم  
A12ms

تایپست  
Pardis



مردم میگن من  
آدمی هستم که  
یکم زیادی  
سریعه...

... برای همین هم  
با عجله سریع  
خودم رو همراه با  
یه سوال اینجا  
رسوندم

احترام بلد نیستی  
نگهداری. نه؟

حال میدوریا  
خرابه؟

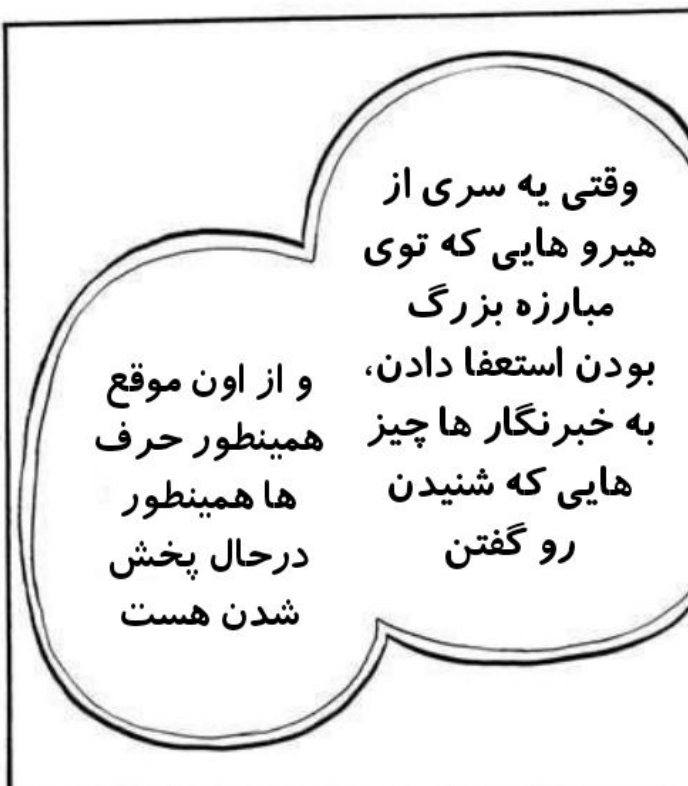
نه، حالش خوبه!  
راستش، طولی  
نمیکشه تا بیدار  
بشه. چطور میتونم  
کمکتون کنم  
هاوکس؟



این نگرانی هایی  
که راجع به وان  
فور آل و میدوریا  
کون هست



اندور هم همین  
الان تایید کرد که  
شیگاراکی دنبال  
میدوریا بوده



وقتی یه سری از  
هیرو هایی که توی  
مبارزه بزرگ  
بودن استعفا دادن،  
به خبرنگار ها چیز  
هایی که شنیدن  
رو گفتن

و از اون موقع  
همینطور حرف  
ها همینطور  
در حال پخش  
شدن هست



... دیگه فقط با  
ویلن ها قرار  
نیست بجنگیم

در مقابل کل  
جامعه باید  
مقاومت کنیم



ممکنه کسی  
اشتباه شنیده  
باشه؟ یا  
اشتباه لفظی  
بوده؟

حتی اگه این  
اخبار دروغ باشه،  
خالی کردن حفره  
ها بیرون از لطف  
نیست

چون از اینجا  
به بعد...



"مینیاتور هم  
برای محافظت از  
تو، باشه؟"

"این راز برای  
این هست که  
چربی از هم  
پاشیدن جامعه  
گرفته باشه"



باید یه جای  
خلوت بریم،  
دنبالم بیاید...



کسایی که  
تسلیم  
نمیشناسن،  
ها؟



گمونم از  
اون نقطه  
فیلی وقته  
رد شدیم



دفتر مدیر



بله

در اسرع وقت  
به زیرنهاد های  
دولت جواب  
خواهم داد



این درخواست  
یکی از فارق  
التحصیل هامون  
هست...  
... پس حتما در  
اسرع وقت  
پیگیری میکنیم



سه روز  
گذشت

ولی ترس و  
هول مردم  
هیچ نشونه ای  
از آروم شدن  
نشان نمیداد



همه چیز  
رو بهتون  
میگم



ولی همه...

... نگران جانشون  
نبودن



احساس  
ترس...

... مدام پفش  
میشد



اونا  
میخواستن تا  
هیرو ها در  
ستون های  
امنیت  
بدرفشن...

در میان  
واهمه...

... دنبال  
اطمینان  
خاطر بودند

... و واقع بین  
باشیم، هیچ  
کار اشتباهی  
نکرده بودن

بیشتر از هر چیز،  
جامعه به چیزی  
نیاز داشت تا...

... بهش  
چنگ بزنن

حرف هاش  
عین واقعیت  
بود

و برای کاری که  
کردم نمیتونم به  
اندازه کافی معذرت  
خواهی کنم

اندور آزادانه و  
بدون پرده...

... از گذشته  
سرسام آور  
خانواده اش  
صمیمت کرد

هااان...





خیلی  
راحت باید  
میگفت...

... هرچی  
بوده دروغه



داشت...

من اول طرف  
این بابا بودم، ولی  
ناموسا



چه افتضاح...



حاجیمون  
دیگه دهنش  
صافه



ولی اتهام‌های وارد  
برهاوکس و بست  
چینست واضحا  
اینطور نیست!

میگی همش  
عین واقعیه؟! **RAHHH**



ولی این نکته  
سرپوشی برای  
باقی اتهام‌ها  
نیست

سو قصد دروغین من به  
چون بست چینست  
فقط ترفندی بود برای  
اینکه بتونم داخل  
جامعه زیرزمینی ویلن  
ها رشد کنم



من گذشته  
پدرم رو  
مخفی نگه  
داشتم...  
و از باب‌پش  
عذرخواهی  
میکنم



موضوع  
پدرم ...

... و اون بخش  
راجع به کشتن یک  
ویلن در حال فرار  
برای نجات جونش  
هر دو واقعیتند



و در مورد  
بویایگوارا...

... در اون لحظه  
حس میکردم راه  
حل دیگه ای وجود  
نداره



اگه بهش اجازه  
داده میشد تا از  
کورکش آزادانه  
استفاده کنه...  
امروز با مرگ و  
آسیب های خیلی  
بیشتری مواجه  
باشیم



... و واقعا شرم  
آور هست. فقط  
ضعف شخصیتی  
من رو نشون  
میده



نتونستم متناسب  
با جرم هایی که  
کرده راه حل  
مناسبی پیدا کنم  
تا کمکش کنم...



توی حمله  
وحشیانه  
گیگنتوماکیا...

... مادرم به  
صورت خطرناکی  
زخمی شد



میتونم یه  
سوال بپرسم؟

هیچ ایده ای دارید  
چند نفر توی کمتر  
از یه هفته خونه  
هاشون رو از  
دست دادن؟!

هی میگید "حقیقت  
داره و ببخشید" ولی  
حرف هاتون هیچ  
چیزی رو تغییر نمیده!

چطور میتونید اونجا  
وایسید، انگار دیگه  
همه چی تموم شده  
دیگه؟ انگار گذشته ها  
گذشته؟!

... و پهره هیچ  
کروم از شما این رو  
نشون نمیره که  
این موضوع رو درک  
کرده باشید!!

درسته، این ویلن ها ان  
که بطور مستقیم این  
خرابی رو به بار آوردن!  
ولی این اشتباهات شما  
بود که این اجازه رو  
بهشون داد...

باید جامعه رو  
به آرامش  
برسونید!!

معلومه  
که نه!

باید تک تک  
ویلن ها رو  
> دستگیر کنید!!  
اینطوری...

پله؟!

اگه درد ،  
خستگی و اشک  
هامون رو اینجا  
نشون بدیم...

... مشکلی رو  
حل میکنیم؟



... به عنوان  
اندور میتونم  
جبران کنم

اینطوری...



اینطوری...



کاملاً درست  
میگید



... شعاع محل  
هایی که نیاز  
به محافظت  
دارن رو کم  
کنیم

برای همین  
امیدوار بودیم  
بتونیم...



و باز هم، با توجه به  
اتفاق هایی که افتاده،  
هیرو ها تجهیزات  
ناقصی دارند که بتونن  
جلوی موج حملات رو  
بگیرن



با توجه به  
نتیجه جلسات  
دولت، از امروز  
به بعد...

چرا؟  
یعنی که  
چرا؟

والدین دانش آموز  
ها همین الانش هم  
مراحل جابه جایی به  
پناهگاه هارو به اتمام  
رسوندن



دبیرستان یو ای و  
باقی مجموعه های  
قهرمانی...

... خوابگاه های  
امن و مجهز  
خودشون رو...

پس بدون هیچ  
برنامه ای برای  
آیندو، توقع  
دارید مردم...

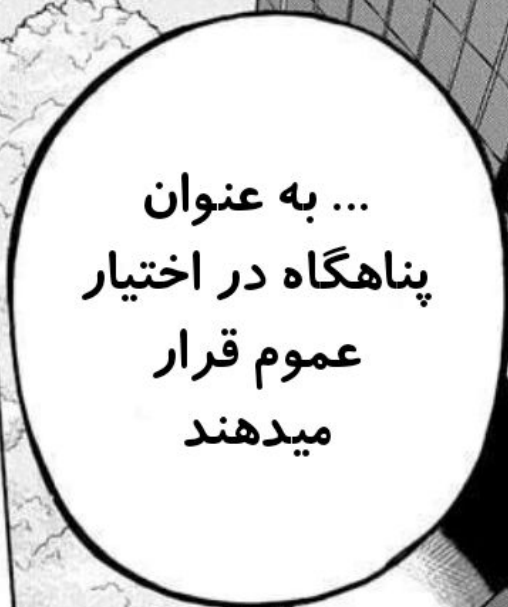
... برن ته پناهگاه  
زندگی بکنن؟



این در راستای  
پیدا کردن برنامه  
ای برای آینده  
است



... به عنوان  
پناهگاه در اختیار  
عموم قرار  
میدهند



نه از آدم هایی  
که از جانشون  
دارن مایه  
میزارن

همه اشون رو  
مستقیماً از چشم  
من ببینید

تمام انتقاد  
و شکتون  
رو...





از همه اتون  
میخوام که  
فقط...

... من رو نگاه  
کنید!



بله قهرمان  
ها داشتند از  
الک رد  
میشدند



اگه هیرو هارو به  
چشم کسی که مردم  
بهشون امیدوار  
باشن و روشون  
مساب باز کنن...



... پس هیرو ها  
واقعا اون روز  
ناپدید شدند



بعضی ها  
بودند که هنوز  
آماده بودند  
تا به ایستند و  
مبارزه کنن



ولی باز  
هم ...



پس به  
اندازه کافی  
زور نردم  
ها. هه هه...

... جواب داد  
"نمیدونم"...

وقتی از اندور  
درمورد وان فور  
آل پرسیدند...

... پس  
اون دکو و  
آلمایت...

بچه ها یعنی  
پشمام ریخته!!

میدوریا تو  
اتاقم به نامه  
گذاشته!

... روی سیبل  
قرار نگیرن

اورا راکل، برای همه چیز ممنونم.

مس کردم که باید رازم رو برای همه بچه های

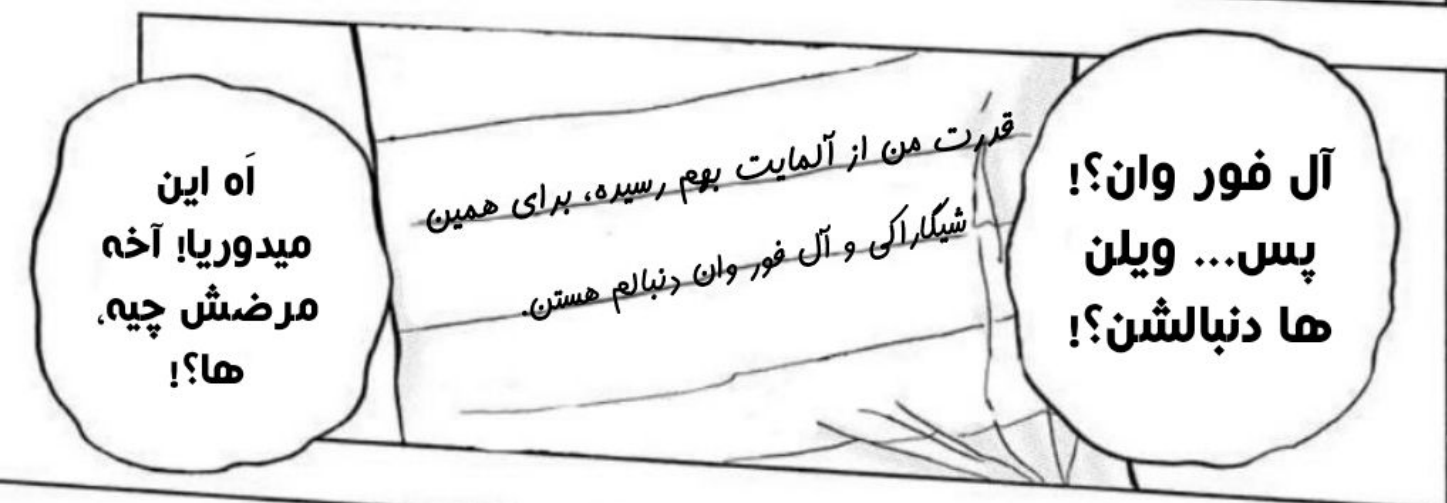
کلاس ای فاش کنم، برای همین براتون این  
نامه هارو میزارم. قهقهه اینکه قدرت من از

آلمایت بوم رسیده،



به تو هم  
داده؟!

یعنی چش  
شده...؟



آه این  
میدوریا! آخه  
مرضش چیه،  
ها؟!

قدرت من از آلمایت بوم رسیده، برای همین  
شیگاراکی و آل فور وان دنبالم هستن.

آل فور وان؟!  
پس... ویلن  
ها دنبالشن؟!



باکا!

... کی به هیرو  
ها کمک میکنه  
وقتی خودشون  
تو خطرن؟

ولی اگه هیرو  
هارو به چشم  
کسی ببینید...

... که حاضر  
هست توی  
سکوت زجر  
بکشه، پس...

آپرل

# چتر ۳۰۶: اکت آخر شروع شد

دکو آکادمی  
قهرمانی رو  
ول کرد!

یه ویلن  
بزرگ...

Next chapter hits Mar. 28!

MY HERO  
ACADEMIA

BY KOHEI HORIKOSHI  
TRANSLATION: CALEB COOK  
LETTERING: JOHN HUNT